

جمهوری‌خواهان

| |
|---|
| |
| پنجشنبه ۳ آبان ۱۴۰۳ |
| شماره ۴۲۶۱ |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY.COM |
| |
| FARHIKHTEGANONLINE |



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزهٔ بین‌الملل

ترامپ در روزهای معمولی نمی‌تواند ساکت باشد چه رسد به آنکه تنها دو هفته به انتخابات ریاست‌جمهوری مانده باشد. او در روزهای اخیر حزب کارگر انگلیس را به دخالت در انتخابات و کمک به حزب دموکرات متهم کرده است. پیش از این نیز بازیگران خارجی به دخالت در انتخابات آمریکا متهم شده بودند اما کشیدن آن به سمت یک متحد قدیمی، اتفاقی غیرمنتظره به شمار می‌رود.

یورو نیوز گزارش کرده ترامپ طرح شکایت علیه حزب حاکم انگلیس و کارزار انتخاباتی کامالا هریس و تیم والز، معاونش را آغاز کرده است. ترامپ ادعا کرده سفر تعدادی از اعضای حزب کارگر انگلیس به آمریکا برای کمک به حزب دموکرات، مصداق دخالت خارجی در انتخابات است. استناد ستاد ترامپ به اعلام یکی از مسئولان حزب کارگر در شبکه اجتماعی لینکدین باز می‌گردد که وی در آن از سفر نزدیک به ۱۰۰ نفر از اعضا و کارکنان فعلی و سابق این حزب به آمریکا خبر داده و گفته بود ظرفیتی برای داوطلبان بیشتر نیز وجود دارد و اسکان آنها نیز رایگان خواهد بود.

براساس قانون آمریکا حضور افراد خارجی برای کمک به فعالیت‌های انتخاباتی قانونی است اما این فعالیت‌ها باید داوطلبانه وبدون دستمزد باشد؛ چیزی که حزب کارگر انگلیس ادعا کرده همین گونه است. کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس و رهبر حزب کارگر در نخستین واکنش به این اتهام کارزار انتخاباتی جمهوریخواهان گفته است: «داوطلبان حزب کارگر تقریباً در هر انتخاباتی چنین سفرهایی کرده‌اند. استیو رید، وزیر محیط‌زیست دولت استارمر نیز به به‌بی‌بی‌سی گفته «شهروندان بریتانیا خودشان می‌توانند تصمیم بگیرند که پول و وقت خود را چطور صرف کنند و غیر عادی نیست که حامیان حزبی در یک کشور برای همی آن حزب در کشور دیگر کمپین کنند. این اتفاق از هر دو طرف و در کشورهای مختلف رخ می‌دهد.»

استدلال مقامات حزب کارگر بر این مبناست که حمایتشان از حزب دموکرات آمریکا به دلیل قربت‌های ایدئولوژیک میان دو حزب، موضوعی است که در جهان بسیار رایج بوده و برای مدت‌ها وجود دارد. ترامپ در شکایت خود علیه حزب کارگر انگلیس، به تسلیم شدن نیروهای انگلیسی در مقابل آمریکا در «نبرد یورک تاون» در سال ۱۷۸۱ اشاره کرده است. او پیش از این نیز در مواردی واقعه به آتش کشیدن کاخ سفید توسط ارتش انگلیس در سال ۱۸۱۲ را یادآوری کرده بود. ترامپ در اشاره به نبرد یورک تاون نوشته است: «به نظر می‌رسد حزب کارگو و کمپین هریس پیام این نبرد را فراموش کرده‌اند.» اشاره ترامپ به وقایع مهم تاریخی، یک تلاش بزرگ برای ردیکال کردن فضاست. او خواستار تحقیقات فوری درخصوص همکاری انتخاباتی حزب کارگر انگلیس و دموکرات‌ها شده است.

اهداف ترامپ

نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، از متهم کردن مکرر بازیگران خارجی به دخالت در انتخابات آمریکا اهدافی دارد که به شرح ذیلند.

۱.ترامپ در دوره ریاست جمهوری‌اش با پرونده ارتباط با روسیه و کمک این کشور به کارزار انتخاباتی‌اش مواجه شد. گفته می‌شود هکرهای وابسته به روسیه پس از جمع‌آوری اطلاعات از کارزار انتخاباتی هیلاری کلینتون،

دونالد ترامپ، حزب کارگر انگلیس را متهم به دخالت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا کرد

کار، کارِ انگلیسی‌هاست

نامزد وقت دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶، در تماس با ستاد انتخاباتی ترامپ این اطلاعات را در اختیار مسئولان این ستاد قرار داده بودند.

این پرونده مدت زمان قابل توجهی از دوره ریاست جمهوری ترامپ را به خود اختصاص داد. رابرت مولر، بازرس ویژه این پرونده در سال ۲۰۱۷ به عنوان دادستان ویژه تحقیقات مداخله روسیه در انتخابات آمریکا منصوب شد و گزارش خود را در سال ۲۰۱۹ نهایی کرد. به این ترتیب ترامپ از نخستین سال ریاست جمهوری‌اش تا یک سال مانده به اتمام، درگیر پرونده ارتباط با روسیه بود؛ تقریباً سه چهارم این مدت.

به نظر می‌رسد ترامپ می‌خواهد این دوران سخت را به هرشکلی که شده برای دموکرات‌ها تلافی کند. متهم کردن دموکرات‌ها به ارتباط با حزب دموکرات انگلیس و یا دریافت کمک از ایران و همچنین علاقه چینی‌ها به این حزب، باعث می‌شود علاوه بر انتقام از حزب دموکرات، رقابتی ترامپ متوجه جسارت و کینه جویی وی شده و در آینده کمتر به پای او بپیچند.
۲.اصل و اساس کار ترامپ بر عوام‌گرایی، ملی‌گرایی و تئوری‌های توطئه سوار است. هرچقدر او بتواند این مسائل را تقویت کند، مخاطبان و آرای بیشتری خواهد داشت.

بزرگ کردن تئوری دخالت‌های خارجی در آمریکا و به‌ویژه تلاش آنها برای کنار زدن ترامپ، می‌تواند آورده خوبی برای وی داشته باشد. رئیس‌جمهور سابق آمریکا بارها ادعا کرده تعدادی از دولت‌ها در جهان برای جلوگیری از رأی آوردن وی به همکاری دست می‌زنند. ترامپ مدعی است دلیل مخالفت این کشورها با ریاست جمهوری‌اش، پیگیری منافع مردم آمریکا توسط وی است. این اقدام ضمن تقویت تئوری‌های توطئه، احساسات ملی‌گرایانه را نیز تحریک می‌کند.
۳.وابسته و ضعیف نشان دادن دموکرات‌ها یک هدف عمده است. جمهوری‌خواهان درصددند تا موفقیت‌های حزب دموکرات را نه ناشی از فعالیت‌های انتخاباتی و کارنامه‌شان بلکه ناشی از دریافت کمک و حمایت‌های خارجی تصویر کنند.
۴. دموکرات‌ها اغلب تلاش کرده‌اند آرای اقلیت‌ها در آمریکا را جمع‌آوری کنند. مهاجران، اقلیت‌های قومی مانند سیاهپوستان و اسپانیایی‌تباران، اقلیت‌های مذهبی مانند یهودیان و حتی مسلمانان و طیف‌های مختلف اجتماعی مانند همجنسبازان از جمله حامیان حزب دموکرات در انتخابات‌ها هستند.

این مسئله باعث واکنش شدید برخی از بخش‌های جامعه آمریکا به دموکرات‌ها شده است. تقویت دیدگاه‌های نژادپرستانه در میان سفیدپوستان یکی از پیامدهای حمایت حزب دموکرات از اقلیت‌هاست. از آنجا که حمایت دموکرات‌ها از مهاجران، اقلیت‌های قومی و مذهبی بیشتر ریشه در فضای متفاوت با فضای برتری سفیدپوستان در آمریکا دارد، حزب جمهوری‌خواه با انصال حزب دموکرات به دولت‌های خارجی درصدد تقویت دیدگاهی است که معتقد است این حزب با فضای آمریکا و مردمش بیگانه شده و تنها پیگیر منافع دیگران است.
۵. هنگامی که ترامپ دولت‌های قدرتمند جهان از چین گرفته تا انگلیس را به حمایت از دموکرات‌ها متهم می‌کند، به خودی خود درگیری رئیس‌جمهور سابق آمریکا با طیف عظیمی از رقب‌ا و دشمنانش به تصویر کشیده می‌شود که محصول جامبی و البته قدرتمند آن در ذهن افکار عمومی، شجاعت ترامپ است. ترامپ با چنین بازی‌هایی درصدد است باشکوه، سرسخت

و تترس به تصویر کشیده شود.

۶.همکاری احزاب مختلف با همتایان خود در جهان عادی است. همان‌گونه که استیو بنن، مشاور سابق ترامپ تلاش داشت با ایجاد دفتری در اروپا و به ویژه در مجارستان، به تقویت راست‌های افراطی در این قاره بپردازد. ترامپ با پیورش بی‌مهابا به دولت‌ها و احزاب خارجی تلاش دارد مانع هرگونه کمک‌رسانی به دموکرات‌ها شود.

اهداف نهادهای اطلاعاتی آمریکا

نهادهای اطلاعاتی آمریکا نیز چین، روسیه و ایران را به دخالت در انتخابات آمریکا متهم کرده‌اند. اهداف این اتهام‌زنی‌ها در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱.نهادهای اطلاعاتی آمریکا درحال آماده‌سازی ساختار و افکار عمومی این کشور برای مقابله و رقابتی طولانی‌مدتند. از آنجا که بخشی از رقابت‌های واشنگتن با دیگران چندان مورد توجه و علاقه مردم آمریکا نیست، نهادهای اطلاعاتی با متهم کردن رقبای آمریکا به دخالت در انتخابات، درصدد تحریک آنها هستند. به عبارتی دیگر شاید رقابت بر سر منابع جهانی مانند جنگ اوکراین مورد توجه بخشی از مردم آمریکا قرار نگیرد، اما هنگامی که آنها جسارت روسیه برای دخالت در انتخابات کشورشان را می‌بینند، موافق اقدامات دولت واشنگتن برای ضدیدت با مسکو می‌شوند. اتهام‌زنی، با هدف ایجاد هراس از این کشورها صورت می‌گیرد، در غیر این صورت طرف‌هایی که در انتخابات این کشور مداخله می‌کنند، فراتر از اینهاست.
۲.این نهادها تمایل دارند برای قابل کنترل نگاه داشتن اوضاع کشور و لاپوشانی ودقتیبی و التهابات، هرگونه تنش و تعارض را به خارج از کشور مرتبط بدانند؛ به همین دلیل ادعا کرده‌اند که دولت‌های خارجی درصدد برنامہ‌ریزی برای ایجاد ناآرامی‌های پسانتخاباتی در آمریکا هستند. چندی پیش یکی از مقامات دفتر مدیریت اطلاعات ملی مدعی شده بود بازیگران خارجی، به ویژه روسیه، ایران و چین همچنان به دنبال دامن زدن به «روایت‌های تفرقه‌انگیز» برای ایجاد تفرقه در میان آمریکایی‌ها و طرف‌هایی که در انتخابات این کشور مداخله می‌کنند، فراتر از اینهاست. او تأکید کرده بود این طرف‌ها آمادگی بیشتری برای استفاده از فرصت‌ها برای «برانگیختن ناآرامی» دارند.

آمریکا با مرتبط دانستن عمیق‌ترین شکاف‌ها در آمریکا به طرف‌های خارجی، درصدد لاپوشانی وجود این شکاف‌هاست.

۳.شرمندہ‌سازی، یکی از تاکتیک‌های اصلی آمریکا و غرب در مواجهه با دشمنان است. واشنگتن با اتهام‌زنی‌ها و حرکت برای برخورد با دشمنانش بر مبنای آنها می‌کوشد این دشمنان را به تحرک برای تکذیب وادار کند. به عنوان نمونه بخشی از توان دیپلماتیک چین در گستره وسیعی صرف رد ادعای نهادهای اطلاعاتی آمریکا می‌شود. پکن به دلیل ارتباطات گسترده با آمریکا مجبور است در مجامع مختلف اقتصادی و علمی با استدلال مقامات چینی از خود در برابر اتهامات دفاع کند؛ درحالی‌که این وقت و توان می‌توانست صرف پیگیری دیگر منافع چین شود.

۴.تقویت ایدئولوژیک حکومت آمریکا هدف مهم جامعه اطلاعاتی این کشور است. واشنگتن با متهم کردن چین روسیه که توسط رسانه‌ها دارای نظام‌های سیاسی مبتنی بر دیکتاتوری توصیف شده‌اند، با دخالت در انتخابات و فرایندهای دموکراتیک، به دنبال تقویت صف‌بندی‌های ایدئولوژیک است. برای همه‌ها آمریکا با اتکا به این صف‌بندی قدرت خود را تقویت کرده اما

امروزه این تعریف با مشکلاتی مواجه شده است. در سال‌های اخیر علاوه بر نظام دموکراتیک، کارآمدی نیز مورد توجه قرار گرفته است. این تغییر در سال‌های کورتنا به اوج خود رسید؛ جایی که دولت چین موفق شد به دلیل تمرکزگرایی مدیریت خود را به رخ جهان بکشد، درحالی‌که همان موقع بسیاری از دولت‌های دموکراتیک جهان درگیردار مشکلات مدیریتی در سطح نهاد‌ها بوده و در جامعه نیز با مخالفت گروه‌های راستگرا علیه محدودیت‌های بهداشتی دست و پنجه نرم می‌کردند.

بزرگ کردن دخالت‌های چین و روسیه در انتخابات‌های آمریکا، تلاشی برای جبران کاستی‌های موجود است تا همچنان صف‌بندی قدیمی جهان دموکراتیک و غیردموکراتیک برای واشنگتن منفع‌آفرینی کند.

آیا مداخله‌ها واقعیت دارد؟

در محیط داخلی کشورهای دموکراتیک، علاوه بر مردم که دارای حق رای‌اند، نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی نیز به دنبال اثرگذاری بر نتایج انتخابات برای کسب منفعتند. همان‌گونه که این نهادها و شرکت‌ها که فاقد حق رای هستند، تنها با استناد به منافع خود در انتخابات دخالت می‌کنند در محیط خارجی نیز بازیگران ذی‌نفع به دنبال اثرگذاری بر انتخابات در محیط‌های منفعتی خود هستند. طبیعی است که آمریکا به دلیل قدرت خود، مورد توجه بسیاری از دولت‌هاست. وجود لابی‌های فراوان رسمی این نفوذ را در شکل آشکار پیش می‌برد.

چین و روسیه به دلیل منافع گسترده و مواجهه و درگیری با آمریکا در صحنه جهانی، انگیزه بالایی برای اثرگذاری بر انتخابات‌های این کشور دارند. از سوی دیگر پکن و مسکو از طریق روابط قدیمی و مهاجران دارای عوامل مستقیم در داخل خاک آمریکا بوده و به دلیل قدرت اقتصادی و اطلاعاتی توانمندی‌های مناسبی برای پیگیری اهداف و اجرای طرح‌های خود در این کشور دارند.

ابزارهای جدید چین و روسیه به فضای مجازی و سایبری مرتبطند. این دو کشور با همک اطلاعات کارزارهای انتخاباتی احزاب اطلاعات خوبی از آنها به دست آورده و تلاش می‌کنند با جابه‌جایی اطلاعات، دست به بازیابی صحنه‌های رقابتی بزنند. تسلط این دو کشور بر امور مرتبط با فضای مجازی نیز باعث می‌شود قادر باشند برای افکار عمومی به نفع یا علیه یک نامزد نظرسازی کنند.

روابط اقتصادی کلان به این کشورها اجازه می‌دهد با اتکا به طرف‌های تجاری خود قادر به اعمال فشار به دولت‌های آمریکایی و نفوذ در انتخابات باشند. به عنوان نمونه اگر یک دولت بر علیه چین تصمیماتی اتخاذ کند، برخی از شرکای تجاری پکن در آمریکا خود به خود فعال شده و سعی در لابی برای لغو این تصمیمات خواهند داشت. اگر این لابی‌ها در مرحله اول متوجه کشور باشند، در وهله دوم درصدد اثرگذاری در انتخابات خواهند بود. با تمام تفاسیر، مداخله‌های انتخاباتی در آمریکا به میزانی که نگران‌کننده باشند، اهمیت ندارند. این صحنه بیش از هرچیز عرصه بازیگری نهادهای دولت عمیق آمریکا و ذی‌نفعان داخلی این کشور است. به نظر می‌رسد اتهام‌زنی احزاب و نهادهای داخلی آمریکا علیه بازیگران خارجی بیشتر از آنکه به اصل دخالت آنها در انتخابات‌ها مرتبط باشد، به اهداف خاص خود این احزاب و نهاد‌ها مرتبط است. به عبارتی دیگر نهادهای دولت عمیق آمریکا درصدد استفاده از اتکد دخالت بازیگران خارجی برای پیشبرد منافع و طرح‌های خود هستند.

چین هم مانند روسیه از بازگشت ترامپ خشنود می‌شود

رئیس‌جمهوربدون جنگ؟

سوال مهم دیگر ستون‌نویس نیویورکتایمز در مورد این اد‌عای ترامپ است که در دوران ریاست جمهوری او شاهد وقوع جنگ عمده‌ای در جهان نبوده‌ایم. لئونهارت می‌پرسد در این رابطه که او گفته است در دوران جنگی نداشته است، چگونه فکر می‌کنید؟ در اینجا لئونهارت می‌پذیرد که برخلاف بسیاری دیگر از اظهارات ترامپ، این اد‌عای او مبنایی از واقعیت را در خود جای داده است. ترامپ در دوران ریاست جمهوری‌اش آمریکا را وارد درگیری‌های جدید نکرد و در طی همین دوران هیچ کشور دیگری هم جنگ بزرگی را آغاز نکرد. در مقابل و در دوران ریاست جمهوری پایدن، روسیه به اوکراین و حماس به رژیم صهیونیستی حمله کرد.

بسیاری از دموکرات‌ها استدلال می‌کنند که این الگو بر اساس یک تضادف شکل گرفته است. اما حامیان ترامپ مدعی‌اند که این موضوع از ترکیب قدرت و غیر قابل پیش‌بینی بودن وی سرمنشأ گرفته است. مارک تیسن، ستون‌نویس محافظه‌کار واشنگتن‌پست در این زمینه چنین می‌نویسد: «ترامپ باعث می‌شود دشمنان ما از تشدید تنش بترسند و این خود موجب عقب‌نشینی آنها می‌شود.» خود ترامپ هم به وال استریت ژورنال گفت که کشورهای دیگر از او به عنوان دیوانه می‌ترسند.

لئونهارت باور دارد که شاید حقیقتی در این ایده وجود داشته باشد. غیر قابل پیش‌بینی بودن مزایایی دارد، اما معایبی هم دارد. براین اساس سیاست خارجی ترامپ تنها غیر قابل پیش‌بینی نبود، بلکه اغلب آشفته بود. حتی دستیاران خودش هم گاهی نمی‌دانستند که او چه می‌خواهد. در عین‌حال ترامپ منافع شخصی خود و یا افراد نزدیک به خود را بر هر عقیده ایدئولوژیکی ترجیح می‌دهد. او به شرکت‌هایش مجوز داد تا از دولت‌های خارجی پول قبول کنند. در مسئله تیک‌تاک، او ظاهراً پس از قرار گرفتن در معرض لابی یک سرمایه‌گذار شرکت تیک‌تاک که اتفاق یک اهداکننده به کمپین جمهوری‌خواهان نیز به شمار می‌آمد، مواضع خود را تغییر داد. این منفعت‌بینی شخصی‌شی در دلایلی است که موجب می‌شود دستیاران سابق ترامپ –از جمله دو وزیر دفاع و یک مشاور امنیت ملی– مناسب بودن او برای فرماندهی کل قوا را خطرناک ارزیابی کنند. ژنرال مارک میلی که در دوران ترامپ ریاست ستاد مشترک ارتش را برعهده داشت، در این رابطه به باب وودوارد گفت: «هیچ‌کس به اندازه دونالد ترامپ برای کشور خطرناک نبوده است. اگر ترامپ دوباره به قدرت برسد، احتمالاً سیاست خارجی آمریکا بسیار نامطمئن‌تر از زمانی خواهد بود که هریس پیروز انتخابات شود.»

در همان مدار قرار دارد. او به جای نادیده گرفتن چین، رویکردی تقابلی آمیز با این کشور، آن هم بیشتر از هر رئیس‌جمهور دیگری در ۵۰سال گذشته را در پیش گرفت. در خاورمیانه او کمپین فشار حداکثری را علیه ایران اعمال کرد و دستور ترور یک ژنرال ارشد (شهید سلیمانی) را صادر کرد. او همچنین پس از استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه مردم سوریه (بنابر اد‌عاهای منابع غربی)، به سوریه موشک شلیک کرد. بدون شک یک انزواطلب محض چنین اقداماتی را انجام نمی‌دهد.

دیوید لئونهارت پس از ارائه این توضیحات درمورد الگوی انزواگرایی نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، دو سوال مهم را مطرح می‌کند: اول اینکه انزواگرایی اوکراین را در یک سر طرف قرار می‌دهد، سستی که پیش از همه تحت‌تأثیر انزواگرایی ترامپ قرار خواهد گرفت. درواقع اوکراین درانتهای‌ترین نقطه انزواطلبی جای می‌گیرد؛ در جایی که ترامپ خواستار قطع کمک‌های نظامی ایالات متحده به این کشور شده است. بدون شک چنین اقدامی می‌تواند اوکراین را وادار به پذیرش یک توافق صلح نامطلوب کند. برای بسیاری از سیاستمداران در هر دو حزب، این احتمال عمیقاً نگران‌کننده است؛ چراکه می‌تواند به مثابه پاداشی برای تهاجم ولادیمیر پوتین در نظر گرفته شود و روسیه را قادر سازد تا خاک اوکراین را به خود ملحق کند. در عین حال این امر مشوقی برای جنگ‌های آینده هم خواهد بود. با این اوصاف

ترامپ معتقد است که آمریکایی‌ها نباید برای اتفاقاتی که در دوردست رخ می‌دهد، اهمیت زیادی قائل شوند. اماگرایش‌های انزواگرایانه‌ای در رویکرد ترامپ نسبت به متحدان ایالات متحده همچون ژاپن و کشورهای اروپایی نیز وجود دارد که البته با ظرافت‌هایی توم شده است. او در زمان ریاست جمهوری خود این متحدان را برای افزایش هزینه‌ها نظامی تحت فشار قرار داد که البته برخی هم چنین اقدامی را انجام دادند. شما می‌توانید این رویکرد را در حوزه انزواگرایانه در نظر بگیرید؛ چراکه ایالات متحده را قادر می‌سازد تا خود را کمتر درگیر

دکترین سیاست خارجی ترامپ

دیوید لئونهارت تحلیل خود از سیاست خارجی ترامپ را با یک مقوله کلیدی آغاز می‌کند، اینکه از ترامپ اغلب به عنوان یک انزواگرایاد می‌کنند و البته به نظر او رگه‌هایی از واقعیت در این برج‌سب وجود دارد؛ ترامپ شعار «اولویت با آمریکاست» را مورد استفاده قرار می‌دهد، او از کمک‌های نظامی به اوکراین انتقاد می‌کند، او می‌تواند نزدیک‌ترین متحدان آمریکا را دچار سرفکندگی کند. اما ترامپ یک انزواطلب همه‌جانبه نیست. در زمانی که او رئیس‌جمهور بود به نحوی با جهان تعامل داشت که هم اکنون نیز سیاست ایالات متحده